بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ديدار اعضای هيأت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان - 14 /بهمن/ 1374

بسم الله الرّحمن الرّحيم
آقايان محترم و برادران عزيز ؛ خيلي خوش آمديد و زحمت كشيديد. همان طور كه فرمودند، روز ماه رمضان و هواي سرد و راههاي دور، همّت بلندي را مي طلبد كه آقايان در اين جا اجتماع بفرمايند. بنده هم متشكرم از اين كه به اين جا تشريف آورديد و اين بار سنگين امانت الهي و انقلابي را بر دوش خودتان پذيرفتيد و ان شاءالله به سلامت حمل خواهيد كرد.
آقايان محترم! مسأله انتخابات، مسأله بسيار مهم و اساسي و تعيين كننده اي است. اهميت انتخابات از جهات گوناگوني است. يكي از آنها اين است كه نظام ما نظامي است متّكي به ايمانها و عواطف و علايق مردم. اساساً سرّ شكست ناپذيري اين نظام اين است كه به مردم متّكي است. اين چيز مهمّي است. اتّكاي به مردم هم آسان به دست نمي آيد و همه جا حاصل نمي شود. اگر يک سرّ الهي در ميان نباشد، توجّه نفوس و دلهاي مردم هم ممكن نيست. شما ملاحظه بفرماييد، خداي متعال به پيغمبر با آن عظمت مي فرمايد: «هو الّذي ايّدک بنصره و بالمؤمنين» ؛ يعني مؤمنين را در كنار نصرت الهي مي آورد. هيچ بُعدي هم ندارد كه آدم بگويد كه اين «بالمؤمنين»، تفسير جزئي از مفهوم «بنصره» هم هست كه اصلاً نصر الهي به وسيله مؤمنين تحقق مي پذيرد. البته در مواردي هم نصرتهاي خارج از مقولات عادي در زمان آن بزرگوار بوده است - مثل ملائكه مسوّمين و غيرذلک - ليكن عمده اش مؤمنين اند. بعد هم مي فرمايد: «لو انفقت ما في الأرض جميعاً ما الّفت بين قلوبهم و لكنّ الله الّف بينهم». يعني اي نبي گرامي ما! اين «بالمؤمنين»ي هم كه ما مي گوييم، خيال نكن كه خودت توانستي آنها را جذب كني ؛ نه - اين كار من و ما و كار عوامل مادي و بشري نيست - اين سرّ الهي و سرّ معنوي است.
حال آن نكته باريكتر ز مو اين جاست كه همين سرّ الهي و معنوي هم قابل تعريف است. چيزي نيست كه بگوييم عقل شما مردم نمي رسد و سه، چهار نفري هستند كه اين چيزها را مي فهمند ؛ نخير. اين امر واضحي است. اين سرّ الهي عبارت است از ايمان. وقتي ايمانها در دلهاي مردم مي جوشد و به مرحله عمل سرازير مي شود، نتيجه اين است كه هر پديده اي كه متّكي به ايمان الهي است، تقويت پيدا مي كند. اين جا چون نظام، نظام الهي و نظام قرآني است و مردم هم معتقد و متّكي به دين و به هرآنچه كه مربوط به دين است، هستند، قهري است كه چنين نظامي را به راحتي مي شود با اين مردم ادامه داد و اين مردم بدون اين كه از كسي طلبكاري كنند ؛ بدون اين كه منّتي بر سر كسي بگذارند و بدون اين كه براي اين همه اخلاص خود از كسي جز خدا بهايي بطلبند، وارد ميدان مي شوند. نتيجه اين است كه بزرگترين طرّاحان سياسي و قويترين شبكه هاي جاسوسي دنيا بنا مي كنند عليه اين كشور و اين نظام كار كردن ؛ اما كارشان بعد از هفده سال به نتيجه نمي رسد و ان شاءالله دهها هفده سال هم خواهد گذشت، ولي باز به نتيجه نخواهد رسيد. پس ببينيد نقش حضور مردم چقدر زياد است. مجلس، مظهر آراء مردم در اداره اين نظام است. حال شما ببينيد انتخابات مجلس چقدر مهم است! تقدير امر مجلس و انتخابات بايد با چنين همه جانبه نگري اي انجام گيرد. صرف اين نيست كه حالا ما يک كشور داراي دمكراسي هستيم و مردم بايد رأي بدهند و حضور پيدا كنند ؛ نه. اين اساس موجوديت نظام است. حضور مردم اين قدر تأثير دارد. بنابراين همان طور كه امام (رضوان الله عليه) فرمودند مجلس در رأس امور است، اين انتخابات هم انتخاباتي است براي چنين مجلسي ؛ لذا هركس به هرنحوي در اين انتخابات دخالت دارد، بايد به آن اهميت بدهد.
هر كسي هم وظيفه اي دارد. مردم وظيفه دارند در انتخابات شركت كنند و نامزدهاي صحيح را پيدا و آنها را انتخاب نمايند. مردم وظيفه دارند به ملاكهاي ديني و شرعي و انقلابي نگاه كنند ؛ به روابط قوم و خويشي و ايل و طايفه اي و اين طور چيزها نگاه نكنند. ببينند واقعاً چه كسي با معيارهاي الهي و انقلابي، مناسبتر و به آن نزديكتر است، او را برگزينند و با شور و شوق به عنوان يک وظيفه در اين كار دخالت كنند. كساني از مردم وظيفه دارند كه ديگران را تشويق و تحريض كنند. كساني كه زبان گوياي دارند، قلم توانايي دارند و آبروي پيش مردم دارند - كه اين آبرو هم

جزو ذخاير الهي است و خداي متعال به هركس داده است، بايد آن را در راه او مصرف كند و به كار ببرد - مردم را توجيه و تشويق كنند و آدمهاي خوب را به آنها معرفي نمايند. در معرفي نامزدهاي نمايندگي بايد ملاحظه كنند كه هيچ رابطه اي را غير از رابطه ديني و الهي و وظيفه شرعي دخالت ندهند. فلان كس با ما رفيق است، فلان كس با ما دوست است، فلان كس فايده اي به ما مي رساند ؛ ابداً اين چيزها را در نظر نگيرند. البته هر كاري هم كه آنها بكنند، مردم بايد چشمشان باز باشد ؛ خودشان واقعاً بشناسند و بفهمند كه چه كار مي كنند.
مسؤولان امور انتخابات، اعم از مسؤولان اجرايي كه وزارت كشور است و شوراي نگهبان كه كار نظارت را به عهده دارد، وظايف سنگيني دارند. اندك اختلالي در اين كار عظيم، حقيقتاً يک گناه و يک جرم است. مبادا بگذاريد در اين امر مهم، كوچكترين اختلالي به وجود آيد. در اين خصوص، من دو سه مطلب را يادداشت كرده ام كه به آقايان عرض مي كنم:
اولاً - همان طور كه هميشه گفته ايم - در امر نظارت بايد قانون و موازينْ ملاک و معيار باشد و نه مذاقها و سلايق شخصي. مطلقاً دنبال مذاق شخصي نرويد و اين طور نباشد كه يک وقت انسان خودش تشخيص دهد كه اگر اين فرد در مجلس نباشد، براي مجلس خسارتي است ؛ اگر اين شخص باشد، براي مجلس فايده اي دارد ؛ آن گاه برخلاف موازين و مقرّرات، اين مذاق اعمال شود. بايد كاري كنيد كه بتوانيد پيش خداي متعال و بندگان او جوابگو باشيد. اگر از شما سؤال شد كه به چه مناسبت اين شخص را رد كرديد، شما بگوييد: پروردگارا! من ملزم بودم طبق مقرّرات عمل كنم. مقرّرات چنين گفت، من هم اين شخص را رد كردم ؛ يا مقرّرات چنين گفت، من اين شخص را تأييد كردم ؛ اما اين كه من اين گونه تشخيص دادم، من اين گونه فهميدم، من اين آدم را مضر دانستم، من اين آدم را مفيد دانستم ؛ اينها قابل قبول نيست. اينها را نه خداي متعال قبول خواهد كرد، نه بندگان خدا. بايد طبق موازين و مقرّرات عمل كنيد. هيچ گونه ملاحظه اي نبايد مانع از اعمال مقرّرات شود.
نكته دوم اين است كه اگر شوراي نگهبان در اين قضيه به يک نتيجه منطبق بر قانون و مقرّرات رسيد، بايد با قاطعيت اقدام كند. هيچ چيزي نبايد مانع از اقدام قاطع قانوني شود. در همه امور، بخصوص در چنين اموري كه با افكار و عواطف و احساسات و عقايد و آراء گوناگوني مواجه است، قاطعيت چيز لازمي است.
نكته سوم اين است كه شوراي نگهبان نقطه تضمين و تأمين براي نظام اسلامي است. اين امر بسيار مهمّي است. من در دوره قبل نسبت به اهميت كار شوراي محترم نگهبان تذكر دادم ؛ حالا هم لازم است مجدّداً اين را عرض كنم. شوراي نگهبان در مجموعه تشكيلات نظام جمهوري اسلامي، مثل بقيه دستگاهها نيست كه بگوييم ارگانها و تشكيلات مختلفي هستند ؛ بعضي مهمترند، بعضي كم اهميت ترند ؛ اين هم يكي از آنها ؛ نه. شوراي نگهبان مثل بعضي از پديده هاي يک نظام - مانند قانون اساسي - وضع ويژه اي دارد. شوراي نگهبان تشكيلاتي است كه اگر خوب باشد و درست كار كند، اين نظام ديگر خطر انحراف از دين نخواهد داشت. اين چيز كمي نيست. اين چيز قابل مقايسه اي با چيزهاي ديگر نيست. ببينيد از مشروطه تا پيروزي انقلاب اسلامي بر اثر انحراف از موازين ديني چقدر ضرر كرديم! دهها سال اين كشور خسارت ديد ؛ به خاطر اين كه از اصول ديني انحراف حاصل شد. با اين كه اساس مشروطيت بر پايه دين بنا شده بود ؛ اما رعايت نشد و آن قضيه طراز اوّل مورد توجه قرار نگرفت. بعد هم با دين مخالفت شد و پديده هاي ديني آن نظام از بين رفت ؛ اما غيرديني هايش تقويت گرديد و آن چيزي شد كه شما ديديد يک كشور و يک ملت چه خسارتي را در طول اين چند ده سال دوران مشروطه تا پيروزي انقلاب اسلامي متحمل شد. يكي از بزرگترين خسارتهايش حكومت خاندان پهلوي بود ؛ تسلّط آن ديكتاتوري عجيب و حقيقتاً كم نظير در تاريخ. شما اين را بدانيد كه وقتي يک نظام، تضمين بقا بر روال ديني نداشته باشد، اين چيزها در انتظارش است.
شوراي نگهبان مانع اين است كه نظام اسلامي از خطّ دين و اسلام و همچنين از خطّ قانون اساسي - كه اين در درجه دوم اهميت است ؛ اما اين هم خيلي اهميت دارد - منحرف شود. قانون اساسي ستون فقرات نظام است ؛ در حقيقت مركز اصلي سلسله اعصاب نظام است ؛ معيار و ضابطه است و شوراي نگهبان نمي گذارد كه دستگاههاي كشور از قانون اساسي منحرف شوند ؛ نمي گذارد كه قوانينِ مخالف قانون اساسي، تصويب و اجرا شود. چنين

دستگاهي كه اين همه اهميت دارد، بايد ابهّت و اقتدار و تكريم و حرمتش حفظ شود. هم خود آقايان محترمي كه در اين شورا و يا منتسب به اين شورا هستند - مثل شما آقايان - بايستي اين ابهّت و احترام و حرمت را حفظ كنند، هم ديگران كه در بيرون شورا هستند. مبادا خداي نكرده كسي از هيأتهاي نظّار در گوشه اي از كشور كاري كند كه دهان بدخواهي را باز كند و احترام شوراي نگهبان هتك شود ؛ يا در بيان مطالب طوري حرف زده شود كه احياناً كساني به عنوان اعتراض - نه از سر خيرخواهي - حرمت شوراي نگهبان را هتك كنند. كساني هم كه در بيرون اين مجموعه هستند، همين طور بايد رعايت كنند. آنهايي كه قلمي به دستشان هست، تريبوني در اختيارشان هست، بفهمند كه اعتراض كردن، بي احترامي كردن و هتك حرمت شوراي نگهبان، خطاي كوچكي نيست. قابل قبول و قابل تحمّل نيست.

البته وظيفه شوراي نگهبان خيلي سنگين است. اين وظيفه را بايد در حدّ مقدور با كمال دقّت و با رعايت حدّاكثر عدل و انصاف انجام دهد و بر كار نظّار نظارت كند. آنچه كه آقايان نظّار انجام مي دهند، به نام شوراي نگهبان تمام مي شود و از لحاظ مسؤوليت الهي هم علي الظّاهر با مسؤوليت بزرگواران اين مجموعه انجام خواهد شد. اين بايد موجب شود كه دقّت و توجّه را مضاعف كنيد.

نكته ديگر، حفظ احترام و آبروي اشخاص است. اگر كساني در پرونده هايشان مشكلي ديده شد كه بنا شد به مجلس نروند، مشكل آنها بازگو و پخش نگردد و هتك حرمت آنها نشود. البته ممكن است بعضي كسان بگويند فلان كس را كه رد كرده ايد، بايد علّت آن را صريحاً بگوييد. اگر مطلبي گفتني است، اشكالي ندارد آن را بگوييد ؛ اما اگر مطلبي ناگفتني است، نبايد آبروي اشخاص با اين حرفها برود و بيان شود. چون به ما اين طور گفته اند و فشار آورده اند، پس ما آبروي اين آدمها را ببريم ؛ نه. در اسلام حرمت مؤمن خيلي اهميت دارد و نبايد هتك حرمت شود.

نكته آخري كه مي خواهم عرض كنم، اين است كه اگر در معيارهايي كه نسبت به نمايندگي مجلس وجود دارد، واقعاً دقّت شود، همين هم از آب در مي آيد. بايد مراقب بود كه آدمهاي اهل سوء استفاده و بي اعتقاد به رسالت انقلابي و مسؤوليت نمايندگي و كساني كه مي خواهند وارد مجلس شوند فقط براي اين كه سوء استفاده اي بكنند يا خداي نكرده خرابكاري اي انجام دهند، وارد مجلس نشوند. بايد دقّت كنيد مجموع شرايطي كه گذاشته شده است، همين نتيجه را بدهد.

البته بعضي وقتها ممكن است در كسي نقطه ضعفي هم باشد ؛ اما لزومي ندارد كه انسان هرچيز كوچكي را در اشخاص ببيند و آن را بزرگ كند. مثلاً فلان كس در فلان جا يک وقت حرفي را بر زبان جاري كرده است ؛ يا مثلاً قبلاً اين طور بود - بحمدالله حالا كمتر ديده مي شود - كه تا كسي مختصر حركتي انجام مي داد كه برخلاف مذاق بعضي بود، فوراً او را به «ضدّيت با ولايت فقيه» متّهم مي كردند! نه ؛ اين طور نيست كه حالا هر كس يک كلمه حرفي زد، ضد ولايت فقيه محسوب شود. امروز مردم اين كشور قانون اساسي و اساس ولايت فقيه را به عنوان يک اصل مهم، بلكه مهمترين اصل پذيرفته اند و زندگي مي كنند. غرض ؛ نمي شود افراد را به اندک چيزي متّهم كرد. توجه به چيزهاي كم اهميت، تنگ نظري و دقّتهاي بيخودي را بايد كنار گذاشت. اساس قضيه همان چيزهايي است كه واقعاً همه را مي ترساند: آدم پول پرستي ؛ آدم پيشكرده خوانين و اشرار منطقه اي، از فقد يا ضعف نظارت استفاده كند و وارد مجلس شود و بعد بخواهد براي آن گونه افراد كار و تلاش كند ؛ يا مثلاً - آن طور كه جناب آقاي جنّتي در نماز جمعه ديروز اظهار مي كردند - در هنگام انتخابات به او پول بدهند تا وارد مجلس شود. اگر واقعاً اين طور كساني را شناختيد، بي دريغ ردشان كنيد. اگر ديديد كساني هستند كه براي اين طور كارها به مردم پول مي دهند يا دهن مردم را شيرين مي كنند، بدانيد كه اين آدمها، آدمهاي نامناسبي هستند. وقتي معلوم مي شود كساني هستند كه به خاطر امور مادّي و در راه كسب متاع دنيوي مي خواهند مسند باارزشي را كه قانون براي مردم وضع مي كند، غصب كنند، بايستي جلوشان گرفته شود. معيارها هم ناظر به اين است.

بنابراين عمده آنچه كه در يک نماينده لازم است، اعتقاد به اين نظام و اعتقاد به اسلام و انقلاب و سعي براي انجام يک مسؤوليت و تعهّد است. البته اعتقاد به اسلام كه مي گوييم، منظور اين نيست كه غيرمسلمانها نمي توانند بيايند ؛ خير. اقليتهاي مذهبي هم طبق همان موازيني كه وجود دارد، مي توانند بيايند، ملاک عمده براي كساني كه

مي خواهند به مجلس بيايند ؛ اين است ؛ كه اگر اين در كسي وجود داشت، بقيه چيزها را مي شود واقعاً با اغماض نگاه كرد. مگر امري باشد كه خلاف قانون است.
به هرحال اميدواريم خداوند به شما كمك كند ؛ هم در مقام معرفت و شناخت و هدايت در امور لازم، هم در مقام عمل و اجرا، كه قوّتِ در اجرا چيز مهمي است و كمك الهي را لازم دارد. انتخاباتي كه در پيش داريم، ان شاءالله خوب، نظيف، نزيه و پاكيزه - مثل دوره هاي قبل - انجام گيرد و نمايندگان خوب و منتخبان واقعي مردم بتوانند به مجلس شوراي اسلامي راه پيدا كنند.
والسّلام عليكم و رحمةالله و بركاته